



#### مقدمه

چندی قبل از سوی مسئولان وزارت بهداشت اعلام شد که قرار است مجوز تاسیس داروخانه‌های گیاهی صادر شود.

در مقاله حاضر یکی از متخصصان فارماکوگنوزی نگرانی‌ها و نیز نقطه نظرهای خود را در این مورد ارایه نموده است. بدیهی است مطالب ارایه شده دیدگاه شخصی ایشان است که درج آن در ماهنامه رازی به منظور باز کردن فضای گفتگو در این زمینه خاص از سوی صاحب نظران و علاقمندان خواهد بود. امید که با مشارکت اهل نظر راهکارهای مناسبی برای این

بخش از داروسازی کشور مطرح شود و داروسازان با تکیه بر میراث فرهنگی قدرتمند کشور در زمینه طب سنتی و استفاده از گیاهان دارویی در درمان، بتوانند منشاء خدمات بیشتری در این زمینه باشند.

«داروخانه‌های گیاهی» این تابلوی زیبا را کجا بگذاریم؟

مدتی است که حرف از تأسیس داروخانه‌های گیاهی است و ظاهراً اقدام قشنگی هم به نظر می‌آید. اما واقعاً هدف از تأسیس این داروخانه‌ها چیست؟ احتمال می‌رود یک یا چند

هدف زیر مورد نظر تصویب کنندگان آن بوده است:

۱- استفاده بیشتر و صحیح‌تر از گیاهان دارویی و وارد کردن بیشتر آنها در نظام خدمات درمانی (ترویج فیتوتراپی).

۲- اشتغال زایی برای داروسازان جوان.

۳- سر و سامان دادن به عطاری‌ها که ظاهراً تعدادشان رو به افزایش است.

۴- کاستن از خرج و مخارج درمانی مردم در مراجعه‌شان به پزشکان، پیراپزشکان و مؤسسات درمانی و نیز تقلیل ارز مصرفی دارو. اما هیچ یک از مشکلات فوق، الزاماً با تأسیس داروخانه گیاهی کاملاً حل نخواهد شد.

به نظر می‌آید برای باب شدن گیاه درمانی (فیتوتراپی)، اولاً باید تولید داروهای گیاهی را بالا برد، و از قید و بندها و قوانین دست و پاگیر و موانع تولید کاست، ثانیاً پزشکان را از طریق آموزش در دوره دانشجویی یا از طریق بازآموزی‌ها، به فواید و تأثیرات داروهای گیاهی آشنا کرد.

احتمالاً اداره داروخانه‌های گیاهی به صرفه و اقتصادی خواهد بود. زیرا این داروخانه‌ها به خاطر آن که جدید بوده و مردم با آنها ناآشنا هستند باید در قسمت‌های مرکزی شهر، خیابان‌های اصلی، تقاطع‌ها و میادین شلوغ و پر رفت و آمد که سرقفلی و اجاره، هر دو گران هستند، تأسیس شوند. در این صورت این داروخانه‌ها باید فروش بالایی داشته باشند تا بتوانند از پس سرقفلی یا اجاره بالایی مکان برآیند. ولی با فروش چند قلم گیاه دارویی و داروی گیاهی که مردم می‌توانند آن را از سایر داروخانه‌های معمولی یا عطاری‌ها بخرند،

نمی‌توان از پس سرقفلی یا اجاره بالایی محل برآمد. یک داروخانه معمولی، اگر دارو هم نفروشد، با انبار کردن دارو، باز هم ضرر نخواهد کرد. زیرا مدت انقضای این داروها، ۳-۴ تا ۵ سال است و در عرض این مدت قیمت بعضی از اقلام آنها رو به افزایش خواهد بود. ولی داروهای گیاهی و گیاهان دارویی بسته‌بندی شده در عرض مدت کوتاهی قابل نگهداری‌اند و پس از آن از حیزانتفاع خارج خواهند شد. پس به نظر می‌آید که اداره داروخانه‌های گیاهی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نباشد، مگر آن که راهکارهایی جهت اقتصادی بودن و سوددهی این داروخانه‌ها ارایه شود.

در یک داروخانه معمولی حدود ۱۲۰۰ قلم دارو با بی‌نسخه فروخته می‌شود که در هیچ مکان دیگری، خریدنی نیستند.

به همین خاطر این داروخانه‌ها در هر حال و به هر صورتی روزانه تعدادی مراجعه کننده خواهند داشت و به اتکای آن سایر اقلام آرایشی بهداشتی، شوینده‌ها و یا گیاهان دارویی هم قابل فروش خواهند بود. ولی در یک داروخانه گیاهی فرضی هیچ نوع جنسی فروخته نمی‌شود که در مغازه دیگری قابل خرید نباشد. بنابراین، این داروخانه چه جذابیتی دارد و به چه دلیل می‌تواند مورد توجه و مراجعه مردم قرار گیرد؟

کل داروهای گیاهی که یک داروخانه گیاهی فرضی، می‌خواهد بفروشد، شامل چند قلم محدود و معدود است که اکثراً هم ضد نفخ و مسکن بیماری‌های گوارشی‌اند، و بعد، تعدادی گیاه دارویی بسته‌بندی شده و محدود که عطاری‌ها، بیشتر از آن را می‌فروشند و شاید تعدادی لوازم بهداشتی و آرایشی. بنابراین، این

داروخانه‌ها چگونه باید سود کنند تا تأسیسشان به صرفه باشد؟

آیا قرار است عطاری‌ها محدود شوند و به جای آن داروخانه‌های گیاهی باز شود؟ در عطاری‌ها، درمان مردم توسط عطار به شکل سنتی هم انجام می‌شود، یعنی بیمار مراجعه کرده و بیماری خود را بازگو می‌کند و عطار به تشخیص خود، فرآورده‌ای را عرضه می‌کند. این کار در یک داروخانه معمولی انجام نمی‌شود و اگر هم به طور محدود انجام شود، در هر حال قانونی نیست. درمان‌هایی که در عطاری‌ها انجام می‌شود، به طور سنتی و بر مبنای طب قدیم ایرانی - اسلامی، و با اصطلاح «سردی - گرمی» است. این طب سنتی قسمتی از سنت‌ها و فرهنگ مردم ماست و کنار گذاردنی نیست. سال‌های سال است که این طرز درمان در خانواده‌ها رواج دارد و با ظهور و ورود طب جدید، نه از اهمیت آن کاسته شده، و نه به فراموشی سپرده شده است. هنوز هم که هنوز است افراد مسن‌تر خانواده‌ها، بیماری‌های ساده اطرافیان را با این طرز نگرش درمان می‌کنند و چه بسا موفق هم هستند، حتی تغذیه‌شان هم بر این اساس است. سایر کشورها هم نه توانستند و نه لزومی به این امر احساس کردند که طب سنتی خود را حذف کنند. به نظر اینجانب هر ملتی و هر کشوری، باید طب سنتی خود را تقویت کند، مطالب غیر علمی و نابجای آن را حذف و کمرنگ کند، و مطالب صحیح آن را تأیید و مطرح نماید. چرا باید داروخانه‌های گیاهی‌ای تأسیس شود که گیاهان دارویی اروپا و آمریکا را بفروشد؟ به این ترتیب، ما که از لحاظ گیاهان دارویی تاکنون به طب سنتی خودمان وابسته بودیم، حالا به غرب وابسته می‌شویم.

مگر غیر از آنست که اکثر داروهای گیاهی فرموله شده ما در حال حاضر نمونه برداری از داروهای گیاهی غربی است؟ تولید این گونه داروها، نمونه‌های اصلی آنها را در غرب تأیید می‌کند. اگر قرار است ما گیاهان اروپایی را در کشور خود بکاریم و دارو تولید کنیم، باید اثبات شود که اینها، دارای همان مواد مؤثره گیاه اصلی هستند یا نه؟ روی مردم ما دارای همان اثر هستند یا نه؟ و احیاناً مواد سمی و سرطان‌زا در آنها به وجود آمده یا نه؟ با این کار، به گیاه دارویی اروپایی این خدمت را می‌کنیم که این سئوالات را در مورد گیاهشان پاسخ داده و اطلاعاتشان را در مورد گیاه خودشان افزایش می‌دهیم. پس گیاهان دارویی خود ما چه می‌شود؟ ما که ادعا می‌کنیم در کشور خود بیش از کل اروپا نمونه گیاه داریم و ادعا می‌کنیم که یک طب سنتی قوی و غنی داریم، پس چه زمانی می‌خواهیم به آن توجه کنیم؟

شاید یکی از معضلات و مشکلات مهم دارویی ما وابستگی آن به خارج است. طب سنتی ما یکی از مواردی است که به غرب وابستگی ندارد. این عدم وابستگی را باید تقویت کرد و افزایش داد. این درست نیست که داروخانه‌های گیاهی‌ای تأسیس کنیم که در آن داروهای گیاهی و گیاهان دارویی تأیید شده اروپا را بفروشیم. هر گاه آنها موردی را تأیید کردند، ما هم بپذیریم و اگر موردی را رد کردند، از آنها تقلید کنیم.

گفته می‌شود که داروخانه‌های گیاهی می‌خواهند گیاهان دارویی استاندارد را بفروشند. یعنی مثلاً به جای آویشن و نعناع موجود در طب سنتی ایران، آویشن و نعناع موجود در طب غربی و اروپایی را ارایه کنند.

چه مرجع و مقامی و چه رفرنسی گفته که گیاه دارویی اروپا استاندارد است و سایرین باید گیاهان خود را برحسب تعاریف اروپا طبقه بندی کنند؟ چرا باید فیتوتراپی غرب ملاک ما باشد؟ چرا باید به جای تکیه بر طب سنتی غنی خود به طب گیاهی اروپا اعتماد کنیم؟ البته درست است که آنها روی گیاهان خود بسیار زیاد کار کرده‌اند، ولی روی گیاهان ما که کار نکرده‌اند. پس چه کسی باید روی طب سنتی ما و گیاهان ما کار کند؟ همان طب سنتی و گیاهانی که سالیان دراز درمان کننده بیماری‌های مردم ما بودند و هنوز هم هستند.

از آن گذشته نقش داروساز در داروخانه‌های گیاهی چیست؟ آیا داروساز است؟ عطار یا تکنسین است؟ از آنجایی که این فرد در طی دوره تحصیلی خود برای اداره این اماکن تربیت نشده است، احتمال دارد که در این سمت موفق نبوده و دچار تنزل مقام (داروساز) شود.

اصلاً، در حال حاضر یک داروساز می‌تواند به جای تأسیس یک داروخانه شیمیایی یا گیاهی، با صرف هزینه زیاد و پس از مدت‌ها انتظار، یک عطاری نسبتاً مدرن تأسیس کند. چرا باید دنبال مجوز داروخانه‌های گیاهی باشد یا دوره‌های احتمالی آموزشی را - آن هم با صرف هزینه طی نماید؟

این داروساز پس از مدتی خواهد توانست با گیاهان دارویی کشور ما بیشتر و بهتر آشنا شود، اصول درمانی سنتی را کم‌کم یاد بگیرد و گیاهان را بر اساس طب سنتی خود ما تجویز کند. شایع است که می‌خواهند برای داروسازان شاغل در داروخانه‌های گیاهی، دوره‌های

آموزشی فیتوتراپی برگزار کنند. آیا منظور آنست که بعد از تحصیلات ۵-۶ ساله داروسازی، تازه یک دوره تکمیلی هم برای آنان بگذاریم تا او را به جای عطار بنشانیم؟ احتمالاً این دوره‌ها کوتاه بوده و اطلاعات عملی زیادی را در اختیار وی قرار نخواهد داد. از طرف دیگر اگر قرار است به کسی دوره فیتوتراپی آموزش داده شود، آن پزشکان هستند که باید بتوانند بر اساس تشخیص خود، داروی گیاهی تجویز کنند. چه جای آموزش به داروساز است؟

براستی آیا در سایر کشورها هم، وضع بدین منوال است که داروخانه‌های شیمیایی، گیاهی و عطاری هر سه را داشته باشند؟ بهتر است از تجربه سایر کشورها هم استفاده کنیم و ببینیم که آنها در جهت افزایش تولیدات داروهای گیاهی خود چه فعالیت‌ها و طرز فکری دارند و ما همان روش را در مورد گیاهان دارویی خودمان پیاده کنیم.

به نظر می‌آید که تفکر تأسیس داروخانه‌های گیاهی به خاطر آن مطرح شده که بتواند مقداری از مشکلات مردم در زمینه دارو و درمان را حل نماید. اما تصور نمی‌شود که این طرز فکر بتواند مشکلات خاصی را حل کند و شاید برعکس، خود به مشکل و معضلی تبدیل شود. در پایان بحث، چند راه حل در این زمینه پیشنهاد می‌شود (و البته تمام این مطالب قابل بحث و بررسی بیشتر توسط اساتید، کارشناسان و صاحب نظران است).

۱- به داروسازان در داروخانه‌های معمولی اجازه داده شود بر مبنای اندوخته‌های علمی و آموزش‌های فراوانی که دیده‌اند، دارو تجویز کنند. این کار در حال حاضر هم تا حدودی انجام

می‌شود که پیشنهاد می‌شود، جنبه قانونی به خود بگیرد. یعنی پزشک بیماری را تشخیص دهد و داروساز آن را درمان نماید. در هر حال داروساز در زمینه درمان و تجویز دارو بیشتر از قبل، فعال باشد. ظاهراً در تعدادی از کشورهای پیشرفته، وضع به این منوال است.

۲- برای داروسازان و پزشکان دوره آموزشی طب سنتی ایرانی-اسلامی (و نه فیتوتراپی اروپایی) برقرار شود. به این ترتیب بیماری‌های مردم بهتر درمان می‌شود. شخصیت اجتماعی آنها ارتقاء پیدا می‌کند زیرا بیشتر و بهتر با مردم ارتباط برقرار می‌کنند. از وابستگی دارویی و پزشکی به خارج تا حدی کاسته می‌شود و درد مردم و بیماری‌های آنها تا حدی تسکین و درمان می‌شود.

۳- در حال حاضر وزارت بهداشت به داروهای گیاهی ای مجوز تولید و ورود به بازار می‌دهد که کپی برداری از داروهای گیاهی خارجی بوده و بر اساس یک ماده مؤثره تعیین مقدار شوند. این نقطه نظر فارماکولوژیک راه را برای تولید فراوان و انبوه انواع داروهای گیاهی محدود کرده و هر کسی قادر به تأمین نظرات وزارت بهداشت نیست. به همین خاطر داروهای گیاهی ما محدود هستند. شاید بهتر باشد با کسب تجربه از سایر کشورها، این سختگیری قانونی تقلیل یابد و شرکت‌ها و افراد بتوانند هر گونه داروی گیاهی را وارد بازار کنند و تولید نمایند. در این صورت خود مردم البته با مسئولیت خودشان خوب و بد را از بین آنها انتخاب کنند. این کار باعث ترویج گیاه درمانی شده و از وابستگی دارویی به خارج خواهد کاست. البته وزارت بهداشت باید داروهای گیاهی فوق را از لحاظ

حداکثر دوز، دوز سمی سرطانی، مصرف در افراد مسن، کودکان یا زنان باردار و آلودگی میکروبی و قارچی و...کنترل نماید.

وزارت بهداشت هم‌چنین باید نگران افراد سودجویی باشد که از اسم و امتیاز داروسازان جوان و جویای کار استفاده کنند و یک داروخانه گیاهی پردرآمدی تأسیس کرده و با کم‌رنج کردن نقش داروساز در آنجا، به سودجویی و گرانیفروشی خود بپردازند. همان طور که در سال‌های قبل، در داروخانه‌های معمولی کسانی این کار را کردند که مشکلات به وجود آمده هنوز هم کاملاً حل نشده است. آیا آن اشتباه، مجدداً می‌خواهد تکرار شود؟

**دکتر فراز مجاب**

**داروساز - متخصص فارماکونوزی**

